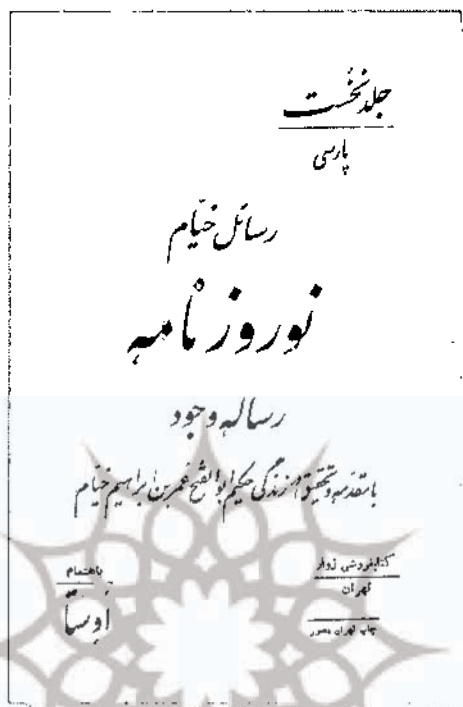


نوروزنامه



○ مینا تهرانی

○ رسائل خیام، نوروزنامه
○ به اهتمام: اوستا
○ کتابفروشی زوار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

که آنها به فراخور گردش عالم با محیط توافق پیدا کرده‌اند. آیا خیام این قاعده علمی را که در اروپا ولوله انداخت در ۸۰۰ سال پیش به فراست دریافته و حدس زده بود؟ خیام در ادامه بحث خود در رساله نوروزنامه می‌نویسد: «ایزد تعالی آفتاب را از نور بیافرید و آسمان‌ها و زمین‌ها را بنو پرورش داد» هدایت، نوروزنامه را یکی از بهترین و سلیس‌ترین نمونه نثر فارسی دانسته و می‌گوید ساختمان جملات آن بسیار نزدیک به زبان پهلوی می‌باشد مطالب نوروزنامه اعتقادات عامیانه، خواص اشیاء، خرافات نجومی را بر طبق نجوم و طب شرح داده است و در گوشه و کنار آن‌ها همان فلسفه علمی و مادی خیام به چشم می‌خورد.

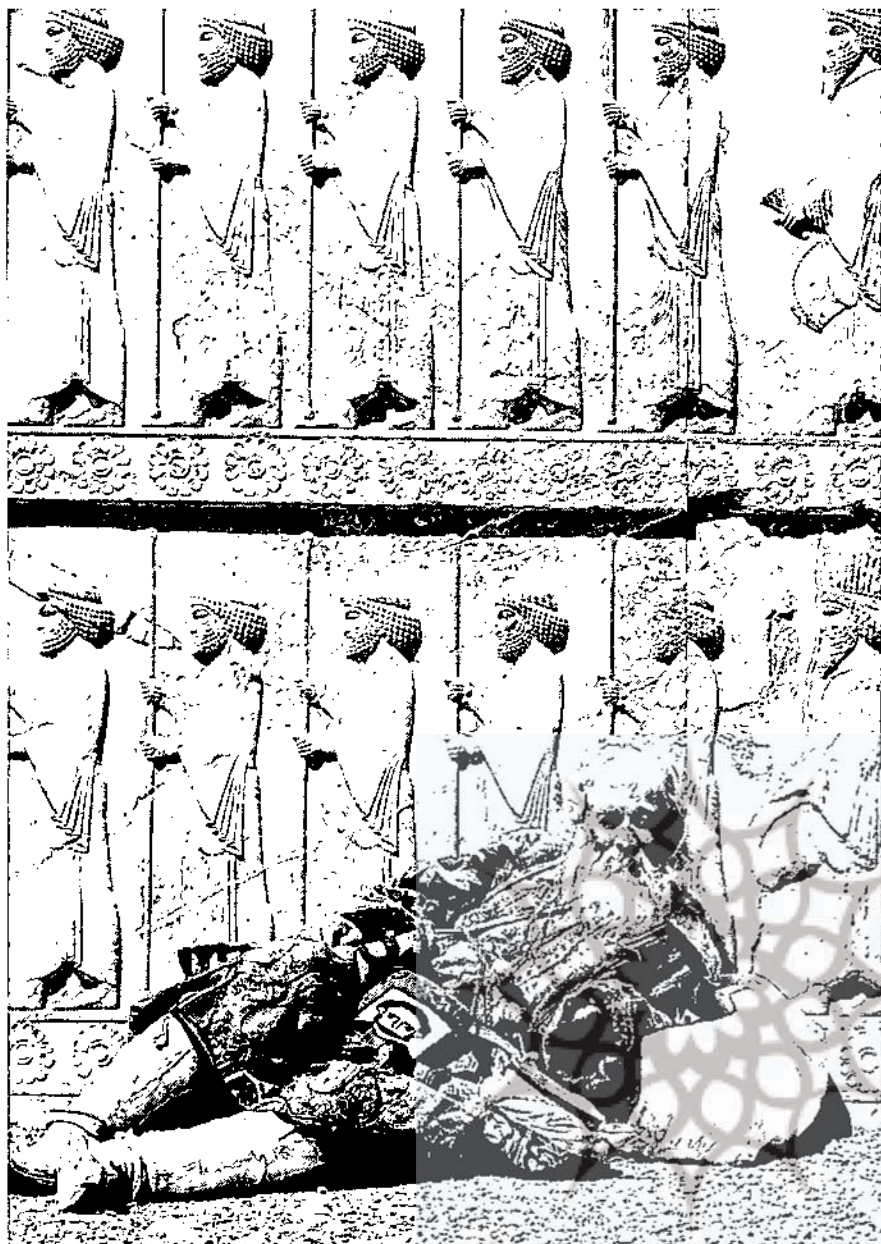
ملک‌الشعرا بهار در جلد دوم سبک‌شناسی درباره نوروزنامه می‌نویسد: کتابی است به فارسی بسیار شیرین و استوار و خوش سبک که منسوب است به خواجه امام ابوالفتح عمر بن‌الخیام (ابوالخیامی) النیشابوری که از مشاهیر حکما و ریاضیین اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری، که تاریخ وفات او را بین سنین ۵۰۸ - ۵۲۰ دانسته‌اند.

نوروزنامه رساله‌ای است در سبب وضع جشن نوروز و کشف حقیقت و اینکه کدام پادشاه آن را نهاده و ضروریات و دریاست‌های جشن نوروز و طریقه آن جشن و سایر آداب پادشاهان ساسانی و... گزارش جشن نوروز و مهرگان و تاریخ آن دو روز در کتاب ادب و تاریخ تازی مکرر و مشروح آمده است از جمله کتاب التاج یا اخلاق الملوک منسوب به جاحظ و آثار

مینوی می‌باشد.
صالح هدایت خیام را فیلسوفی می‌یابد که فلسفه وی هیچ‌گاه تازگی خود را از دست نخواهد داد، زیرا ترانه‌های به ظاهر کوچک و پرمغز وی به طرح مسائل مهم و تاریک فلسفی که در همه ادوار موجب سرگشتگی انسان شده می‌پردازد.
هدایت، خیام را علاوه بر فیلسوف و شاعر به شهادت آنچه در صفحه ۴ نوروزنامه آمده یک عالم طبیعی نیز می‌داند آنجا که می‌گوید «بفرمان ایزد تعالی حالهای عالم دگرگون گشت و چیزها، نو پدید آمد مانند آنک در خور عالم گردش بود» زیرا او منکر است که خدا موجودات را جدا جدا خلق کرده و معتقد است

کتابی در قطع رقیعی در مجموعه کتابخانه مرکزی سازمان میراث فرهنگی وجود دارد که زمانی زینت بخش کتابخانه اداره موزه‌ها و فرهنگ‌عامه هنرهای زیبای کشور بوده است. این کتاب جلد نخست پارسی رسائل خیام است که به اهتمام مهرداد اوستا توسط کتابفروشی زوار در سال ۱۳۳۸ و در ۱۶۸ صفحه در تهران منتشر گردیده است. نویسنده غیر از مقدمه که در آن اشاراتی به زندگی حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام شده است به مقایسه افکار و آراء صادق هدایت با خیام می‌پردازد و صادق هدایت را نه تنها خیام‌شناس بل خیام‌دوران می‌نامد. در مورد آیین خیام می‌نویسد «گر چه در پایان رساله وجود، پس از برشمردن آیین‌های اربعه دین اسلام و معرفی عاری از جانبداری هر یک عرفان و تصوف را با دید حکیمانه خویش والا تر و آزادنشانه‌تر می‌یابد نیل به انوار حقیقت را تنها در توان عرفا دانسته و عوام را در حد پای‌بندی به «شرع» می‌داند. شادروان اوستا در پایان پیشگفتار به دیگر رسائل خیام چون میزان الحکمه، رساله راجع به قلع در حل مسائل جبری، ترجمه خطبه بوعلی‌سینا، رساله وجود، رساله در ضرورت تضاد و ضیاءالعقلی در موضوع کلی اشاره می‌کند.

کتاب شامل مطالبی چون رساله وجود، خیام از نظر صادق هدایت، سبک نوروزنامه خیام به نقل از سبک‌شناسی استاد ملک‌الشعراء بهار، پیام خیام نگارش استاد مجتبی مینوی، متن نوروزنامه به تصحیح و تحشیه مجتبی مینوی، فهرست اعلام، حواشی، فرهنگ لغات و اصطلاحات نوروزنامه، نگارش



الباقیه ابوریحان بیرونی و کتب مسعودی و ابن قتیبه است. در فارسی نیز بیشتر از خیام ابوریحان در التفهیم، گردیزی مؤلف زین الاخبار نیز در ضمن اعیاد قدیم از آن نام برده‌اند اما کتابی که به استقلال در نوروز و در پیرامون این عید سخن گفته باشد، به پارسی جز این رساله دیده نشده است.

شادروان ملک‌الشعراء بهار می‌گوید نوروزنامه به سبک عصر دوم یعنی قرن پنجم هجری تحریر یافته و بنیاد آن بر پایه بلعمی و بیهقی است یعنی از حیث ایجاز و عدم مترادفات و موازنه و کم‌داشتن لغات تازی و انشای جمله‌های کوتاه و زیبا از پیروان سبک قدیم است. ولی در بعضی جاها مانند بیهقی فعل را مستند و مستندلیه مقدم می‌دارد و افعال مجهول با فعل معین (آمد) زیاد می‌آورد و به‌طور کلی از سیاستنامه و قابوسنامه به سبک قدیم نزدیک‌تر است و اگر در به جای اندر گاه به گاه در تضاعیف سطور دیده نمی‌شد و افعالی به قرینه حذف نشده بود می‌توانستیم آن را در پایان گفتار نخستین در ضمن پیروان سبک سامانی مانند تاریخ سیستان و زانالمسافرن ناصر خسرو در آوریم.

شادروان استاد مجتبی مینوی خیام را تنها سخن سرای ایرانی متعلق به همه ملل و ابناء بشر می‌داند و ضمن بحث کوتاهی در باره فلسفه و افکار خیام و ترجمه انگلیسی فیتز جرالد از رباعیات خیام و نقش وی در شناساندن این نابغه ایرانی به جهانیان و بحث در صحت انتساب همه رباعی‌ها که نامبرده از خیام دانسته، وی را بهترین نمونه تیزهوشی و زیرکی و خردمندی نژاد ایرانی که در زیر فشار فکری بیگانگان مضمحل نشده و انتقاد خود را با لحن تند و بیان شدید ایراد کرده، می‌داند. ریاضی‌دان، منجم، طیبیه فیلسوف و فقیهی که در عین حال ظرافت و زیبایی طبیعت و دلربایی بوستان‌های پر گل را با لطافت نوق مخصوص و شور و جدی کم‌نظیر ادراک کرده و به نقل از «برنان» می‌گوید: «اگر بخواهیم برای اثبات این مطلب که روح و فکر ایرانی کاملاً به همان حالت قدیم و اصل آریایی خویش مانده دلیلی بیآوریم، باید به رباعیات خیام بنگریم. شادروان مینوی نوروزنامه را رساله‌ای در بیان سبب وضع جشن نوروز و کشف حقیقت آن و اینکه کدام پادشاه آن‌را نهاده و چرا آن را بزرگ داشته‌اند توصیف می‌کند.

در سراسر کتاب یک نصیحت اخلاقی جز تشویق شاه به بی‌آزاری و نادگری دیده نمی‌شود، خیام بزرگترین فضیلت انسانی را شجاعت می‌داند و بیکر شجاعت را به‌صورت تصویر شیری وصف می‌نماید. مینوی مؤلف نوروزنامه را از حیث زمان و مکان تألیف و طرز فکر و انشاء، ساده و لطیف و بی‌تکلف شخص خیام دانسته و آن را هدیه خیام به ادبیات فارسی و ملت ایران برمی‌شمرد و می‌گوید به‌علت انشای سریع و نقص‌های عبارتی و پاره‌های غلط‌های تاریخی و ادبی آن، حکم می‌کنم خیام آن را بسیار سردستی و بدون صرف وقت و تحقیق و مطالعه به منظوری نوشته و به شاه‌ی تقدیم کرده است.

این رساله گرانبها در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی جزو مجموعه رسائلی به کتابخانه عمومی برلین منتقل شد و عکس آن را آقای میرزا محمدخان قزوینی برای کتابخانه وزارت معارف گرفتند. مجتبی مینوی با اجازه رسمی از وزارت معارف آن نسخه را اساس کار خود قرار داده است.

علامه قزوینی چند سطر در ابتدای مجلذی که حاوی اوراق عکسی است یادداشت کرده‌اند: «نوروزنامه» تألیف ملک‌الحکماء عمر بن ابراهیم خیام در شرح نوروز و تاریخ آن و آداب نسخه منحصر به‌فرد کتابخانه دولتی برلین، دارای پنجاه و شش صفحه به‌قطع وزیری به‌خط نسخ املاهای قدیمی تاریخ کتابت ندارد ولی قطعاً از قرن هفتم هجری مؤخر نباید باشد بخرج وزارت جلیله معارف دولت علیه ایران و به اهتمام

این صمیم محملین عبناوهاب قزوینی عکس برداشته شد.

«شهر رجب ۱۳۵۰ مطابق آبان ۱۳۱۰»

مجتبی مینوی در خاتمه از صادق هدایت به‌خاطر در اختیار گذاشتن یادداشت‌های خیامنامه تشکر می‌نماید.

خیام نوروزنامه را با موضوع قرار دادن نوروز که جشن ملی ایران است، پس از سپاس و ستایش خدای جلیل آغاز می‌کند و می‌گوید به خواهش دوستی (که به احتمال زیاد شاهی بوده) به تألیف آن پرداخته است. مباحث رساله نوروزنامه پس از آغاز کتاب به ترتیب زیر است: اندر آیین پادشاهان عجب آمدن موبد موبدان و نوروزی آوردن؛ آخرین موبد موبدان بعبارت ایشان؛ اندر یاد کردن زر و آنچه واجب بود درباره او؛ اندر دفین‌ها؛ یاد کردن انگشتری و آنچه واجب آید درباره او؛ یاد کردن خوید و آنچه واجب آید درباره او؛ یاد کردن شمشیر و آنچه واجب آید درباره او؛ یاد کردن تیر و کمان و آنچه واجب بود درباره ایشان؛ یاد کردن قلم و خاصیت او و آنچه واجب آید درباره او، نامه‌های اسپان به زبان پارسی؛ اندر ذکر باز و هزار و آنچه واجب آید درباره او؛ یاد کردن اسب و هنر او و آنچه واجب آید درباره او؛ اندر گردیدن باز؛ گفتار اندر منفعت شراب؛ حکایت اندر معنی پدید آمدن شراب؛ گفتار اندر خاصیت روی نیکو.

از نشانه‌های علاقمندی بی‌چون و چرای خیام به ایران و

ایرانی پافشاری شدید وی به مراعات و حفظ آیین نوروز، حتی از سوی سایر اقوام (ترک، روم) و بسیار یاد کردن وی از شاهان اساطیری و تاریخی ایران تا زمان یزدگرد است. وی به نقل از روایات شاهنامه از پیشه‌ها و رسوم و فئونی که شاهان ایران نهاده‌اند یاد می‌کند. و همین امر گواهی است بر مداومت وی در شاهنامه خوانی.

حواشی پر مغز و نفیس شادروان مینوی صفحه ۱۱۲ تا ۱۳۶؛ فرهنگ لغات و اصطلاحات نوروزنامه در توضیح نام انواع اسب‌ها، شراب‌ها، واژه‌های دیرپاب صفحه ۱۳۷ تا ۱۵۶ کتاب را مزین ساخته، توضیحات و افادات شادروان دکتر محمد معین در صفحه ۱۵۷ و برخی افادات استاد علامه محمد علی ناصح در صفحه ۱۵۸ آمده است. فهرست اسامی که از صفحه ۱۵۹ آغاز و در صفحه ۱۶۸ پایان می‌یابد در واقع مجموعه‌ای از اعلام، اسماء و اماکن است که در مقدمه و دیگر بخش‌های کتاب آورده شده است.

ناگفته نماند غیر از کتاب حاضر، متن نوروزنامه خیام به تصحیح مجتبی مینوی به صورت کتابی مستقل منتشر شده و چاپ دیگری از نوروزنامه زیر نظر دکتر علی حصوری از روی نسخه عکسی مسکو به زیور طبع آراسته شده و صادق هدایت نیز یادداشت‌هایی در مورد نوروزنامه داشته است.